

# تخصیص کودکی



دقت اطرافش را می نگرد و می خواهد بداند پیرامونش چه می گذرد و به جزئیات توجه می کند و به خاطر می سپارد. آموزگارانی که شاگردان را به این مرحله می رسانند درکار خود موفقند. آنان که با این روش آشنا هستند می دانند که کودک بوسیله تمرکز چگونه تغییر خواهد کرد و در مسیر پیشرفت قرار خواهد گرفت و از آن به بعد جریان کار آسان خواهد بود و مراحل یادگیری با موفقیت همراه می شود. تمرکز شامل سه مرحله است :

۱ - مرحله آمادگی برای کار یا مشغول شدن به چیزی که آموزگار یا والدین موجبات آنرا فراهم می کنند.

کودک بعد از تمرکز به نظم و ترتیب می رسد و کودکی که نظم و ترتیب درونی پیدا کرده است در راه طبیعی پیشرفت ذهنی و روانی قرار می گیرد و بیگانه و تنبل و سست باقی نخواهد ماند. بلکه فردی علاقمند به کار و منظم بار می آید. هرچه کودک در تمرکز پیشرفت کند زمان خستگی کمتر و زمان پیروزی که به دنبال می آید طولانی تر می شود. مدت زمان بیشتری مجدوب کار می شود و بعد آرامش طبیعی مخصوصی پیدامی کند. کودکی که تا دقیقه یی پیش فارغ از دنیای اطرافش بوده است اکنون با

۲- مرحله تمرکز.

۳- مرحله فعالیت درونی و پیشرفت نظم و ترتیب که مرحله پذیرش هم هست و ما آن را مرحله حضور می نامیم.

نظم و ترتیبی که از درون طفل نشاءت می گیرد در مرحله سوم واکنش خارجی می یابد. کودک با دقت پیروامون خود را می نگرد و چیزهایی می بیند که قبلا به آن توجه نداشته است و بهمین جهت این مرحله را حضور می نامیم. در این مرحله کودک فوق العاده مطیع و به گونه بی باور نگرندی صبور می شود. مثل این است که تعادل روحی بدست می آورد.

کودگانی که هنوز راه نیفتاده اند، در موقع ایستادن نمی توانند تعادل خود را حفظ کنند ولی به مجرد این که تعادل خود را حفظ کردند نه تنها از ایستادن ترس ندارند بلکه شروع به راه رفتن می کنند. همین وضعیت در مورد زندگی روانی کودک صادق است. کودکی که تعادل روحی پیدا نکرده است نمی تواند فکرش را متمرکز کند و به خود تسلط داشته باشد و ابراز وجود کند. کودکی که نتواند خواسته های خود را ابراز کند از دیگران هم اطاعت نخواهد کرد.

اطاعت نوعی چالاکي و چابکی روحی است که متضمن آرامش، تعادل و موازنه درونی است. اطاعت بهترین بیان کننده مرحله قبول است و اطاعتی که بعد از تمرکز دست بدهد ناشی از قدرت است نه ضعف.

قدرت موجودات زنده باعث پذیرفتن محیط می شود یعنی قدرت موجب سازگاری است و کودکی هم که بر اثر تمرکز قدرت یافته است سازگارتر می شود.

قدرت درونی کودک به تدریج به نیروی کار تبدیل می شود، ولی اگر بخواهیم از این

توانائی خیلی زود و عجولانه استفاده کنیم نتیجه خوب نخواهیم گرفت.

کودکان را نباید قبل از موقع به کارهای سنگین جسمانی و یا فکری واداشت و همچنین نباید اضافه بر ظرفیت آنها کاری از آنان خواست تا موجودی قوی با ساخت روانی استوار داشته باشیم که بتواند با محیط خود سازگاری یابد. مهمترین عامل در روش جدید تربیتی تمرکز است و همه کودکان از روی غریزه می توانند به حد تمرکز برسند، اگر بزرگترها با مداخله بی جای خود تمرکز آنان را قطع نکنند.

برای روشن شدن مطلب لازم است شناختی از رفتار کودکان داشته باشیم. فرض کنید کودکی را به مهد کودکی که با روش جدید اداره می شود سپرده اید. همانطور که لازمه این روش است در این مهد کودک انواع بازیهای فکری وجود دارد. به کودک تازه وارد اجازه داده می شود آزادانه وسیله بازی را انتخاب کند و به آن مشغول شود.

اگر منحنی رفتار کودک را از زمانی که وارد شده است رسم کنید، بطوری که خط افقی زمان و خط عمودی چگونگی رفتار کودک باشد که به منظم و نامنظم تقسیم می شود فضای بالای خط افقی رفتار منظم و قسمت زیر خط افقی رفتار نامنظم را شامل می شود.

کودک در ابتدای ورود مشغول به کار می شود و رفتار منظم دارد. پس منحنی از قسمت بالای خط افقی شروع می شود. بعد از مدتی که کودک از آن کار خسته شد، کارش بی هدف و نامنظم می شود و منحنی به طرف قسمت زیرین می رود. تا آنکه مجدداً "کودک به کار دیگر با وسیله دیگری مشغول می شود و منحنی به طرف بالاد

بعضی چیزها که طرز کارشان را بلد است توجه می کند و با آنها تمرین می کند. بعد از مدتی خسته و نامطمئن می شود و منحنی رفتارش به زیر خط افقی می رود. این نحوه رفتار نه تنها در مورد یک کودک، بلکه در مورد همه کودکان کلاس صدق می کند. در این موارد نا آرامی کودک، آموزگار چه باید بکند؟ آیا این خستگی واقعی است یا نشانه بی از عدم تمرکز است. اغلب آموزگاران در چنین مواردی کار کودک را قطع می کنند و او را به کاری دیگر مشغول می دارند و اگر نتیجه نداد او را بیرون می برند تا هر چه بخواهد بدود و معتقدند که وقتی خسته شد در کلاس به آرامی کار خواهد کرد. ولی عملاً می بینند که کودک بی قرارتر از اول می شود و با هیچ چیز سرگرم نمی شود. آموزگاران فکر می کنند که چون کودک خودش آزادانه کاری را انتخاب کرده است نباید از آن خسته شود. در صورتیکه چنین نیست و بچه ها بعد از چند دقیقه که به یک بازی یا کار توجه نشان دادند خسته و بی قرار



مسیر رفتار منظم سیر می کند. بعد از مدتی مجدداً رفتار کودک نامنظم می شود و بچه پهلوی دست خودش را آزار می دهد و منحنی به طرف پائین می رود و مدتی به این حالت می ماند. رنگ تفریح نواخته می شود و کودک بعد از بازی به اتاق برمی گردد. دوباره مجذوب کار می شود و منحنی رفتارش در قسمت بالا می رود و بعد که کار را تمام کرد و دیگر نتوانست خود را مشغول کند با حالت ناراحت نزد آموزگار می رود.

این نمودار منحنی علمی و صد درصد معرف رفتار کودک نیست بلکه به این وسیله اولاً می خواهیم تصویری بدست دهیم که به تشخیص اختلاف میان رفتار منظم و نامنظم کمک کند، ثانیاً می خواهیم نشان دهیم چگونه رفتار کودک تغییر می کند و ابتدا نمی تواند توجه و تمرکز به یک کار و یا به یک وسیله سرگرمی داشته باشد، بلکه کارش با هرج و مرج توأم است و از این شاخه به آن شاخه می پرد و چه بسا با وسایلی که باید یک سال کار و بازی کند در عرض چند ساعت به همه آنها ور می رود و تمرکز لازم را ندارد. این نوع رفتار نامنظم و سامان نیافته در بچه ها خیلی معمولی است و بعد از مدتی به رفتاری می رسد که با وجود این که بکلی نامنظم و منقطع نیست منظم و هدف کاملاً ندارد. اگر منحنی رفتار این زمان را بکشیم، حد فاصل بین منحنی اولیه و منحنی منظم خواهد بود و بعد از مدتی که ممکن است روزها یا هفته ها یا ماهها طول بکشد کودک به رفتار منظم و با هدف می رسد و می بینیم که ساعتها با یک وسیله کار می کند.

کودک در ابتدای ورود به مهد کودک به کارهای ساده و خانگی تمایل دارد بعداً به

می شد ، هرگز نمی توانست به تمرکز برسد . اگر کودک را بی مورد راهنمایی کنیم و یا وقتی درکارش اشتباه دیدیم او را سرزنش کنیم او دائما " درترس و نگرانی از عدم موفقیت خواهد بود و غرغرو و ناآرام می شود و چون بزرگترها او را از کار مورد علاقش بازداشته اند او نیز با ناراحتی ها و کج خلقیهای خود اطرافیان یا پدر و مادر را آزار می دهد و کوش بزرگترها برای آرام کردن او بی نتیجه می ماند . درحالیکه کودکی که فرصت کافی داشته باشد بعداز تمرکز آرامش و صفای فکری بدست می آورد و بااطرافیان مهربان می شود و نشانهء خستگی و تندخویی در او دیده نمی شود برعکس سرحال و سرزنده و پرنیرواست .

همانطور که ماهیچه های بدن بر اثر کارقوی می شود ، فکر کودک هم بعداز کار نیرو می گیرد . شاگردی که با کار تمرکز یافته است باخوشرویی و بشاشت آماده است گفته های معلم را به خاطرسیارد . قدرت درک و فهم مطالب در این مرحله بسیار زیاد می شود چون کودک در این مرحله قابلیت پذیرش بیشتری دارد و هرچه آموزگار بگوید در ذهنش جای می گیرد . یادگیری واقعی در همین زمان است . آموزگار آگاه از این شرایط استفاده می برد و مراقب جریان مرموز زندگی درونی کودک است و با صبر و اعتماد موجبات یادگیری او را فراهم می آورد .

کودک پرنیرو ، خوشرو و مهربان به راحتی مورد توجه دیگران قرار می گیرد و برای اطرافیان خوشایند است و درارتباط با دیگران موفق خواهد بود . برعکس کودک تندخو و بی قرار که مورد علاقهء دیگران نیست ، ناکامی اجتماعی به بدخلقی اش می افزاید و آنرا تشدید می کند .

می شوند . مریبان ادعا می کنند خیلی سعی کرده اند بچه را آرام کنند . محیط را عوض کرده اند ، اجازه استراحت داده اند و لسی کودک به کاری مشغول نشده است و آرامش نیافته است . این گونه مریبان همسان کار پیشینیان را که نصیحت و راهنمایی باشد در پیش می گیرند ، منتها نحوه عمل فرق می کند این گروه درکار بچه دخالت نمی کنند ، بلکه او را بکلی از کار باز می دارند و به این ترتیب جلوی پیشرفت او را می گیرند و درست جایی که باید سازنده باشند ، ویران کننده می شوند .

اگر آموزگاران دقت کنند که فرا گرفته های خود را از روش قدیم فراموش کنند و دخالت خود را امری اساسی در تربیت کودک ندانند و به کودک آزادی دهند و به او اعتماد داشته باشند خواهند دید که تغییر کلی در کودک بوجود خواهد آمد و بچه آشفته بی قرار آرامش خواهد یافت ، و این تغییر به این دلیل حاصل می شود که کودک عمیقا " به کار پرداخته است . درچنین مرحله ای کودک به هرچه که در اطرافش می گردد بی توجه و مجذوب کار است . اگر کودکی به این حد از تمرکز رسید ، می توان گفت مری یا والدین کار بزرگی انجام داده اند . برخی عقیده دارند کودکانی که زیاد مورد توجه قرار نمی گیرند بهتر بار می آیند . علت همین است که آنان آزادی بیشتری داشته اند .

بعد از مرحله تمرکز ، همانطور که ذکر شد کودک آرامش می یابد و ظاهرش گواه این حال است . شاد و سرحال بنظر می رسد گویی که نیروی جدیدی او را به نشاط آورده است و توانائی پذیرفتن کار و دستورات آموزگار را دارد . اگر کودک از ابتدای کار با مخالفت روبهرو